

## تفاوت علم و معرفت در چیست؟ کدام یک اهمیت بیشتری دارد؟

### آیا علم و معرفت مفهوم یکسانی دارند؟

همه ما دو واژه علم و معرفت را بسیار شنیده‌ایم. اما درباره مفهوم دقیق آنها چه می‌دانیم؟

چه ارتباطی بین علم و معرفت وجود دارد؟

کدام یک اهمیت بیشتری دارد؟

برخی از ما به اشتباه علم و معرفت را مترادف هم می‌دانیم و آنها را به جای یکدیگر استفاده می‌کنیم؛ درحالی‌که علم و معرفت با وجود اینکه به یکدیگر مربوط هستند، اما باهم تفاوت اساسی دارند. علم یا دانایی به کسب اطلاعات و شناخت کلی درباره چیزی گفته می‌شود، اما معرفت شناخت جزئی و یقین قلبی را نشان می‌دهد. محل کسب علم عقل است، اما محل کسب یقین و معرفت، قلب است. کسی که به معرفت رسیده باشد، فقط دانا نیست؛ بلکه دارای کسب کرده است.

همه ما انسان‌ها ذاتاً عاشق کسب آگاهی و اطلاعات در زمینه‌های مختلف هستیم؛ تا جایی که برخی از ما دچار شهوت علم می‌شویم. دائماً در انواع کلاس‌ها شرکت می‌کنیم، یا مدام در حال مطالعه کتاب‌های مختلف هستیم و اطلاعات بسیار زیادی را درباره موضوع‌های گوناگون به دست می‌آوریم؛ البته این نکته را فراموش نکنیم که کسب علم و دانش بسیار خوب و پسندیده است و از طرف بزرگان هم بسیار سفارش شده است، اما مسئله مهم اینجاست که هدف ما از آموختن علم چیست؟ آیا صرفاً می‌خواهیم انبوهی از اطلاعات را در ذهنمان انباشته کنیم، یا هدف دیگری داریم؟ آیا اطلاعاتی که کسب می‌کنیم، در عمل هم برایمان کارایی دارد و گره‌ای از مشکلات روحی و اخلاقی‌مان باز می‌کند، یا خیر؟ مثلاً اگر چندین کتاب درباره کنترل خشم و خوش اخلاقی خوانده‌ایم، آیا دانسته‌هایمان تفاوتی در رفتارمان ایجاد کرده، یا همچنان همان آدم اخمو، عصبانی و ترش‌روئی هستیم که بودیم؟!

در ادامه درس به ارتباط علم و معرفت می‌پردازیم. تفاوت علم و معرفت را بررسی می‌کنیم و به اهمیت هرکدام پی می‌بریم.

## ارتباط علم و معرفت

علم یا دانایی مقدمه معرفت یا دارایی است. وقتی ما علمی را می‌آموزیم، درحقیقت مقداری اطلاعات به دست می‌آوریم و این اطلاعات ما را به مرتبه دانایی می‌رساند؛ اما علم و دانایی به تنهایی برای ما مهارت و قدرت نمی‌آورد. مهارت و قدرت نتیجه کسب معرفت است. اما معرفت چیست؟ معرفت یعنی علمی که از مرتبه عقل عبور کرده و به قلب رسیده است؛ به عبارت دیگر، معرفت علمی است که در نتیجه تکرار، تمرین و تلقین، به بار نشسته و میوه داده است.

معرفت، قدرت و توانایی به همراه دارد و منشاء اثر است؛ برای مثال ما با خواندن آیین‌نامه رانندگی اطلاعات زیادی درباره آداب و قوانین رانندگی به دست می‌آوریم، اما صرفاً با دانستن این اطلاعات نمی‌توانیم پشت فرمان اتومبیل بنشینیم و حرکت کنیم. حرفه‌ای شدن در رانندگی یک فرآیند نسبتاً طولانی‌مدت است که در نتیجه تکرار و تمرین حاصل می‌شود. برای راننده شدن باید پشت فرمان اتومبیل بنشینیم و دانسته‌های خود را در عمل پیاده کنیم، تا آرام‌آرام در این زمینه به دارایی برسیم و تبدیل به یک راننده حرفه‌ای شویم. وقتی به این مرحله رسیدیم، دیگر کسی نمی‌تواند این دارایی را از ما جدا کند؛ زیرا این دارایی با نفس ما اتحاد پیدا کرده و بخشی از وجود ما شده است؛ تا حدی که حتی نیاز نداریم به کارهایی مثل ترمز کردن، بوق زدن، تعویض دنده و غیره فکر کنیم. نفس ما این کارها را خودبه‌خود و بدون نیاز به فکر کردن انجام می‌دهد.

پس می‌توانیم اینطور نتیجه بگیریم که معرفت، حاصل ترکیب علم و عمل است. شخصی که به معرفت رسیده، دانایی عقلی در وجودش، به دارایی و یقین قلبی تبدیل شده است؛ مثال بارز دیگری که می‌توانیم در این خصوص به آن رجوع کنیم، مقوله ترس از مرده است. اغلب ما می‌دانیم که جنازه کسی که از دنیا

رفته است؛ قادر به انجام هیچ کاری نیست و نمی‌تواند به ما آسیب برساند؛ با این حال بازهم از او می‌ترسیم. زیرا این دانایی به معرفت و یقین تبدیل نشده است. اما غسل اینطور نیست. غسل به راحتی بدن میت را لمس می‌کند و هیچ ترسی هم از تنها ماندن با او ندارد؛ زیرا یقین دارد که میت به او آسیبی نمی‌رساند. درواقع تفاوت ما با غسل در این است که ما می‌دانیم میت به انسان آسیبی نمی‌رساند، اما فرد غسل این موضوع را شهود کرده و به یقین رسیده است.

### اهمیت کسب علم و معرفت

هیچ عقل سلیمی نمی‌تواند منکر اهمیت و ارزش بسیار زیاد کسب علم و دانایی شود. بسیاری از بزرگان هم از ارزش علم سخن گفته و ما را به یادگیری علم و دانش توصیه کرده‌اند. اما نکته مهم اینجاست که علم به تنهایی فایده‌ای ندارد. علم و دانایی و عمل کردن به آموخته‌ها، باید ما را به هدف اصلی، که معرفت و دارایی است، برساند.<sup>۱</sup> بنابراین اگر به علمی که یاد گرفته‌ایم عمل نکنیم و در نهایت به معرفت نرسیم، علم ما نه تنها بی‌فایده است، بلکه ممکن است مضر بوده و ابزاری در دست شیطان باشد، تا به این وسیله ما را دچار خودبرتربینی و غرور کرده و از صراط مستقیم منحرف کند. درواقع همانطور که قبلاً نیز گفتیم، هر چیزی که ما با آن در ارتباط هستیم هم نار دارد، هم نور؛ هم می‌تواند بهشت تولید کند و هم جهنم. دانش نیز اگرچه در ذات خود نور است، اما اگر منتهی به عمل نشود و به کمک بخش انسانی و الهی وجود ما نشتابد، بهره‌ای به جز نار و آتش برای ما نخواهد داشت.

حال که به اهمیت علم و معرفت و لزوم کسب معرفت و دارایی پی بردیم، این سؤال پیش می‌آید که مهم‌ترین دارایی که ما ملزم به کسب آن هستیم، چیست؟

<sup>۱</sup> امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: «الْعِلْمُ يُرْشِدُكَ وَ الْعَمَلُ يَبْلُغُ بِكَ الْعَاقِبَةَ؛ علم تو را رشد می‌دهد و عمل تو را به غایت و هدف می‌رساند.» (غررالحکم و دررالکلم، ص ۱۱۵)

## مهم‌ترین دارایی

قطعاً ما در همهٔ ابعاد وجودی مان به کسب دارایی احتیاج داریم و بدون کسب بسیاری از دارایی‌های جمادی، گیاهی، حیوانی و عقلی بخشی از زندگی ما تحت تأثیر قرار می‌گیرد و ممکن است دچار مشکلاتی شویم. اما از آنجا که کارکرد این دارایی‌ها محدود به عالم دنیاست، مشکلات ناشی از عدم برخورداری از آن‌ها نیز محدود به همین عالم است و با مرگ به پایان می‌رسد. بنابراین نبودنشان مشکل خیلی حادی در روند رشد و تکامل ما ایجاد نمی‌کند. تنها یک دارایی است که اگر کسب نشود، هم حیات دنیوی و هم حیات اخروی ما را به شدت با مشکل مواجه می‌سازد، آن هم دارایی‌های مربوط به بعد انسانی و فوق‌عقل است<sup>۲</sup>؛ زیرا همان‌طور که قبلاً گفتیم، حقیقت ما به عنوان یک انسان، بخش فوق عقل یا قلب ماست و به همین دلیل تنها دارایی حقیقی ما، که هم در حیات دنیوی و هم در حیات اخروی بسیار به آن محتاجیم، قلب سلیم است.

قلب سلیم قلبی است که اسماء و صفات الهی مانند رحمان، رؤف، غفور، شکور، صبور، جواد و دیگر اسماء را کسب کرده و از همه نظر شبیه معشوق حقیقی خود، یعنی الله شده باشد. ما برای رسیدن به این هدف آفریده شده‌ایم و در آخرت نیز با همین دارایی‌ها ارزیابی می‌شویم؛ در واقع میزان خوشبختی و سعادت هرکس در آخرت بسته به این است که در طول زندگی خود چه تعداد از اسماء الهی را دریافت کرده باشد. دارایی‌های جمادی، گیاهی، حیوانی و عقلی هم زمانی برای ما مفید خواهند بود که صرف بخش فوق‌عقلانی شوند؛ یعنی موجب نزدیکی بیشتر ما به خداوند و کسب اسماء الهی شوند؛ مانند کسی که از ثروت خود برای کارهای خیر و کمک به دیگران استفاده می‌کند و صاحب اسم جواد می‌شود. هیچ نعمت و نعمت و هیچ خیر و شری در زندگی نیست، مگر آنکه بستری برای ظهور اسم‌های خداوند و کسب دارایی و معرفت وجودی ماست.

<sup>۲</sup> سورهٔ شعرا، آیهٔ ۸۸ و ۸۹

در این درس به تعریف علم و معرفت، ارتباط آن‌ها با یکدیگر و میزان اهمیت هرکدام پرداختیم. اطلاعات و آگاهی که ما با مطالعه و شرکت در کلاس‌های مختلف به دست می‌آوریم، علم و دانایی نامیده می‌شود. اما معرفت و دارایی غیر از علم است. هرگاه ما به دانسته‌های خود عمل کنیم آرام‌آرام به دارایی یا معرفت می‌رسیم. دارایی قدرت و توانایی به همراه دارد و منشأ اثر است. فلسفه وجودی و هدف از آفرینش ما هم کسب دارایی در بخش فوق عقل و دریافت اسماء الهی است. به طور کلی علمی که منجر به کسب معرفت و دارایی نشود، برای ما سودی نخواهد داشت؛ مثل کسی که علم اخلاق را آموخته است، اما در عمل دچار بداخلاقی، حسادت یا کینه است.

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer